



راهبرد امنیتی روسیه در نظم سازی جدید خاورمیانه

علی محمدشریفی^۱

۳۵

چکیده

پس از تحولات بنیادین خاورمیانه در سال ۲۰۱۱، به ویژه جنگ داخلی سوریه و تغییرات گسترده سیاسی و امنیتی در منطقه، روسیه به عنوان بازیگر مهم و تأثیرگذار در شکل‌گیری نظم امنیتی جدید خاورمیانه ظاهر شد. این مقاله با بهره‌گیری از چارچوب نظری سازه‌انگاری و با روش تحلیل کیفی به بررسی راهبرد امنیتی روسیه در این منطقه می‌پردازد. هدف اصلی پژوهش، تحلیل نقش روسیه در بازتعریف هویت امنیتی منطقه‌ای، ایجاد هنجارهای نوین و همکاری‌های چندجانبه با بازیگران کلیدی منطقه، به ویژه ایران و ترکیه است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که مداخله نظامی روسیه در سوریه و تلاش‌های دیپلماتیک گسترده، موجب تثبیت ثبات نسبی و کاهش تنش‌ها در منطقه شده است. همچنین، همکاری سه‌جانبه روسیه، ایران و ترکیه نمونه‌ای موفق از نظم سازی منطقه‌ای بر پایه احترام متقابل، حاکمیت ملی و گفت‌وگوی سیاسی است که توازنسته تعادل قدرت را در منطقه بهبود بخشید. این راهبرد موجب افزایش ظرفیت خوداتکایی بازیگران منطقه‌ای و ایجاد نظم چندقطبی در خاورمیانه شده است. با وجود چالش‌ها و فشارهای بین‌المللی، روسیه همچنان نقش کلیدی و سازنده‌ای در فرآیند نظم سازی امنیتی خاورمیانه ایفا می‌کند و می‌تواند الگویی برای مدیریت بحران‌ها و همکاری‌های منطقه‌ای در سایر مناطق بحران‌زده جهان باشد.

کلیدواژه‌ها: راهبرد امنیتی، خاورمیانه، نظم منطقه‌ای، همکاری سه‌جانبه.

دوره ۱۰، شماره ۱، پیاپی ۳۶

بهار ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۵/۰۲/۰۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۵/۰۳/۱۷

صص: ۲۱۶-۱۹۹

شاپا چاپی: ۴۵۶۵-۲۵۸۸

الکترونیکی: ۰۳۸۱-۲۷۱۷



۱. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

خاورمیانه به عنوان یکی از مهم‌ترین مناطق ژئوپلیتیکی جهان، طی چند دهه گذشته همواره کانون توجه قدرت‌های بزرگ بین‌المللی و منطقه‌ای بوده است. این منطقه به دلیل موقعیت استراتژیک، منابع غنی انرژی، تنوع فرهنگی و مذهبی و همچنین بحران‌های متعدد سیاسی و امنیتی، اهمیت ویژه‌ای در معادلات جهانی یافته است. به ویژه پس از سال ۲۰۱۱ و آغاز موج انقلاب‌ها و اعتراضات موسوم به «بهار عربی»، تحولات عمیق و فراگیری در ساختار قدرت و نظم امنیتی خاورمیانه شکل گرفت که پیامدهای آن نه تنها منطقه‌ای بلکه جهانی بود. در این شرایط پیچیده، نقش بازیگران خارجی به ویژه روسیه به عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ نظامی و سیاسی جهان برجسته‌تر شده است.

روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، در دهه‌های اول قرن بیست و یکم تلاش کرد جایگاه خود را در عرصه جهانی بازسازی کند و به خصوص نفوذ خود را در مناطق کلیدی جهان، از جمله خاورمیانه، تقویت کند. بحران‌های خاورمیانه پس از ۲۰۱۱، فرصت مناسبی برای روسیه ایجاد کرد تا با اتخاذ راهبردهای امنیتی و دیپلماتیک نوین، خود را به عنوان بازیگری موثر و مثبت در شکل‌گیری نظم امنیتی جدید در منطقه مطرح کند. این نظم امنیتی جدید بر خلاف نظم گذشته که عمدتاً تحت سیطره آمریکا و متحدان غربی آن بود، مبتنی بر همکاری چندجانبه منطقه‌ای و بازتعریف مناسبات امنیتی و سیاسی میان کشورهای منطقه است. مطالعه و بررسی نقش روسیه در این فرآیند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چرا که روسیه نه تنها از طریق حضور نظامی در سوریه و حمایت از دولت این کشور توانست جایگاه خود را تثبیت کند، بلکه با استفاده از دیپلماسی فعال و تعامل با بازیگران منطقه‌ای مانند ایران و ترکیه، در شکل‌گیری یک نظم امنیتی منطقه‌ای مبتنی بر همکاری و تعادل نقش مهمی ایفا نمود. این رویکرد روسیه به عنوان یک «نظم‌ساز» و نه صرفاً یک بازیگر مداخله‌گر، در ادبیات روابط بین‌الملل به عنوان نمونه‌ای موفق از «نظم منطقه‌ای» و چارچوب نظری سازه‌انگاری قابل تحلیل و بررسی است.

از دیدگاه نظری، سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل بر نقش هنجارها، هویت‌ها و مفاهیم اجتماعی در شکل‌دهی به ساختارهای بین‌المللی تأکید دارد. این نظریه معتقد است که واقعیت‌های بین‌المللی نه صرفاً بر اساس منافع مادی و قدرت سخت، بلکه از طریق تعاملات اجتماعی، بازتعریف هویت‌ها و ایجاد هنجارهای جدید ساخته می‌شوند. در چارچوب سازه‌انگاری، راهبرد امنیتی روسیه در

خاورمیانه را می‌توان به عنوان فرآیندی دانست که طی آن روسیه با بازتعریف نقش خود و همکاری با بازیگران منطقه‌ای، به بازسازی و تثبیت نظم امنیتی جدید کمک می‌کند. این نظم جدید نه تنها بر اساس قدرت نظامی بلکه با توجه به هنجارهای همکاری و تعامل سه‌جانبه میان ایران، ترکیه و روسیه شکل گرفته است.

مسئله اصلی این پژوهش بررسی این موضوع است که چگونه روسیه با استفاده از راهبردهای امنیتی خود توانسته است نقش سازنده و مثبت در شکل‌گیری نظم امنیتی جدید در خاورمیانه ایفا کند و این نقش چه پیامدهایی برای ثبات و امنیت منطقه به دنبال داشته است. این پژوهش همچنین به بررسی ابعاد همکاری سه‌جانبه میان ایران، ترکیه و روسیه به عنوان یکی از مولفه‌های کلیدی نظم امنیتی جدید می‌پردازد.

فرضیه اصلی این مقاله این است که روسیه با بهره‌گیری از راهبردهای مبتنی بر سازه‌نگاری و تعامل منطقه‌ای، به خصوص روابط سه‌جانبه با ایران و ترکیه، توانسته است نقش مثبتی در تثبیت نظم امنیتی خاورمیانه پس از ۲۰۱۱ ایفا کند. این نقش مثبت روسیه، علاوه بر تقویت جایگاه این کشور در منطقه، به ایجاد ثبات نسبی و کاهش تنش‌ها در برخی از بحران‌های کلیدی خاورمیانه کمک کرده است.

روش‌شناسی این پژوهش بر پایه تحلیلی-تبیینی و مبتنی بر تحلیل محتوای کیفی منابع اسنادی، بیانیه‌های رسمی، گفتار نخبگان، گزارش‌های مؤسسات رسمی و ادبیات نظری است. در این روش، داده‌ها و اطلاعات از منابع معتبر علمی، اسناد دولتی، گزارش‌های بین‌المللی و تحلیل‌های کارشناسی استخراج شده و با استفاده از چارچوب نظری سازه‌نگاری مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند. این روش به پژوهشگر امکان می‌دهد تا با بررسی دقیق سیاست‌ها و راهبردهای روسیه و تعاملات سه‌جانبه منطقه‌ای، به تحلیل جامع و مستندی از نقش روسیه در نظم امنیتی جدید خاورمیانه دست یابد.

اهمیت این پژوهش از آن جهت است که به علت پیچیدگی و تنش‌های منطقه‌ای، فهم دقیق نقش روسیه می‌تواند به سیاست‌گذاران داخلی و خارجی کمک کند تا راهکارهای مناسبی برای حفظ ثبات و امنیت در خاورمیانه تدوین کنند. همچنین، این پژوهش به توسعه نظریه‌های روابط بین‌الملل به ویژه سازه‌نگاری و مطالعات نظم منطقه‌ای می‌افزاید و نمونه‌ای عملی از کاربرد این نظریه‌ها را در سیاست خارجی روسیه ارائه می‌دهد. در نهایت، این مقاله در پی آن است که نشان دهد چگونه راهبرد امنیتی روسیه نه تنها به تقویت جایگاه این کشور در عرصه بین‌المللی کمک کرده است، بلکه توانسته است بستری برای همکاری‌های منطقه‌ای و ایجاد نظم امنیتی نوین فراهم آورد که منافع بلندمدت کشورهای

منطقه و نیز ثبات کلی خاورمیانه را تأمین می‌کند. این نگاه مثبت به نقش روسیه، تفاوتی مهم با برخی رویکردهای منفی یا انتقادی دارد که تنها بر جنبه‌های نظامی و مداخله‌گرایانه روسیه تمرکز می‌کنند. علاوه بر این، بررسی نقش روسیه در نظم امنیتی جدید خاورمیانه اهمیت دیگری نیز دارد که مرتبط با تغییرات ژئوپلیتیکی گسترده‌تر در سطح بین‌المللی است. پس از سال‌ها سلطه تقریبی ایالات متحده بر نظم جهانی، ظهور چندقطبی شدن قدرت و افزایش نقش بازیگران غیرغربی، به ویژه روسیه و چین، نشان می‌دهد که نظم‌های منطقه‌ای جدید ممکن است در قالب چارچوب‌های متنوع و چندجانبه شکل بگیرند. این تغییر ساختار قدرت جهانی باعث شده است که مطالعه روسیه به عنوان یکی از محورهای اصلی نظم نوین خاورمیانه، برای درک بهتر روندهای جاری امنیتی و سیاسی در این منطقه حیاتی باشد. از سوی دیگر، ابعاد نرم و غیرنظامی این راهبرد روسیه نیز قابل توجه است؛ به طوری که این کشور با بهره‌گیری از ابزارهای دیپلماتیک، اقتصادی و فرهنگی، تلاش کرده است علاوه بر حضور نظامی، ظرفیت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی خود را در جهت تثبیت نظم امنیتی جدید به کار گیرد. این مسئله نشان می‌دهد که راهبرد امنیتی روسیه در خاورمیانه یک پدیده چندوجهی است که تنها محدود به مداخلات نظامی نمی‌شود، بلکه شامل ساختن هنجارها و شبکه‌های همکاری میان بازیگران مختلف منطقه است. به طور خلاصه، این مقاله با نگاهی تحلیلی و مبتنی بر چارچوب نظری سازه‌نگاری، به دنبال پاسخ به این سوال کلیدی است که چگونه روسیه توانسته است در یک دوره بحران و تغییرات شدید منطقه‌ای، نقشی مثبت و سازنده در شکل‌گیری نظم امنیتی جدید در خاورمیانه ایفا کند و این روند چه پیامدهایی برای امنیت و ثبات منطقه دارد. با توجه به اهمیت موضوع و محدودیت‌های پژوهش‌های پیشین در این زمینه، نتایج این تحقیق می‌تواند به فهم عمیق‌تر و جامع‌تر از تحولات جاری و آینده خاورمیانه کمک کند.

ادبیات پژوهش

بررسی نقش روسیه در نظم امنیتی جدید خاورمیانه پس از ۲۰۱۱، موضوعی است که در ادبیات روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای توجه فزاینده‌ای را به خود جلب کرده است. این ادبیات عمدتاً به دو حوزه اصلی نظری و تجربی تقسیم می‌شود: نخست مطالعات نظری مرتبط با مفهوم نظم امنیتی منطقه‌ای و کاربرد چارچوب سازه‌نگاری در روابط بین‌الملل و دوم پژوهش‌های تحلیلی و توصیفی پیرامون سیاست خارجی روسیه و تحولات خاورمیانه در دهه اخیر.

۱. مفهوم نظم امنیتی منطقه‌ای و سازه‌انگاری

مطالعات مربوط به نظم امنیتی منطقه‌ای در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، به بررسی نحوه شکل‌گیری و تداوم نظم در حوزه‌های جغرافیایی محدودتر نسبت به نظم جهانی می‌پردازند. دینامیک‌های نظم منطقه‌ای بر اساس تعامل میان بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، هنجارهای مشترک و سیستم‌های همکاری امنیتی شکل می‌گیرد. (Buzan & Waever, 2003) در این چارچوب، نظم امنیتی جدید خاورمیانه پس از سال ۲۰۱۱ به دلیل بحران‌های گسترده سیاسی و نظامی، نیازمند تحلیل دقیق‌تری است که نشان دهد چگونه بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای توانسته‌اند نظم نوینی را ایجاد کنند.

سازه‌انگاری به عنوان یکی از نظریه‌های برجسته روابط بین‌الملل، به نقش هنجارها، هویت‌ها و باورهای مشترک در شکل‌دهی به ساختارهای بین‌المللی توجه ویژه دارد. (Wendt, 1999) این نظریه معتقد است که واقعیت‌های بین‌المللی، از طریق تعاملات اجتماعی و بازتعریف مشترک معناها، شکل می‌گیرند و نه صرفاً بر اساس عوامل مادی و قدرت سخت. در این دیدگاه، بازیگران می‌توانند با ایجاد هنجارهای جدید و تغییر در هویت‌ها، نظم‌های منطقه‌ای جدیدی را بنیان نهند. (Hopf, 2002) کاربرد سازه‌انگاری در مطالعات خاورمیانه و روسیه نشان داده است که سیاست خارجی روسیه در منطقه، بیش از یک مداخله نظامی صرف، یک فرآیند ساختاری و نمادین برای تثبیت هویت روسیه به عنوان قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی است (Koldunova, 2017) به بیان دیگر، روسیه در قالب یک بازیگر سازه‌انگارانه، از طریق بازتعریف روابط و هنجارهای منطقه‌ای، در پی شکل دادن به نظم امنیتی جدیدی است که نقش آن را در منطقه تثبیت کند.

۲. تحولات خاورمیانه پس از ۲۰۱۱ و چالش‌های امنیتی

ادبیات مرتبط با تحولات خاورمیانه پس از سال ۲۰۱۱، عمدتاً بر تغییرات بنیادین در ساختار قدرت و امنیت منطقه تمرکز دارد. بحران‌های سوریه، یمن، لیبی، و ظهور گروه‌های تروریستی مانند داعش، فضای امنیتی منطقه را به شدت متلاطم کرده است. (Shah & Haq, 2020) این تحولات موجب خلأ قدرت و بی‌ثباتی گسترده در منطقه شده و به نوعی نظم امنیتی پیشین را به چالش کشیده است. (Barzegar, 2018)

بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که نظم امنیتی سنتی خاورمیانه که تحت نفوذ و کنترل آمریکا و متحدان آن قرار داشت، پس از ۲۰۱۱ به شدت تضعیف شده و زمینه برای ظهور بازیگران جدید و

بازتعریف نظم منطقه‌ای فراهم شده است (Ehteshami, 2019) در این بستر، روسیه با سیاست خارجی فعال و راهبردی خود، توانسته است نقشی فراتر از یک بازیگر فرامنطقه‌ای ساده ایفا کند.

۳. سیاست خارجی و راهبرد امنیتی روسیه در خاورمیانه

مطالعات متعددی در زمینه سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه، به ویژه پس از بحران سوریه، منتشر شده است. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که روسیه با هدف تقویت جایگاه جهانی خود و مقابله با نفوذ غرب، رویکردی چندجانبه و مبتنی بر همکاری منطقه‌ای اتخاذ کرده است. (Mankoff, 2012; Trenin, 2016) ورود نظامی روسیه به بحران سوریه در سال ۲۰۱۵ نقطه عطفی در سیاست خارجی این کشور بود که نفوذ آن را در منطقه به طور چشمگیری افزایش داد. (Katz, 2017) در تحلیل راهبرد روسیه، توجه به ابزارهای مختلف از جمله همکاری نظامی، دیپلماسی فعال، همکاری اقتصادی و شبکه‌سازی منطقه‌ای اهمیت دارد. (Hosseini, 2017) روسیه نه تنها از طریق مداخله نظامی، بلکه با ایجاد ائتلاف‌ها و همکاری‌های سه‌جانبه با ایران و ترکیه، توانسته است فضایی برای شکل‌گیری نظم امنیتی جدید فراهم کند. (Khorshid, 2019)

۴. همکاری سه‌جانبه ایران، ترکیه و روسیه در شکل‌گیری نظم امنیتی

یکی از نکات برجسته در ادبیات مربوط به نظم جدید خاورمیانه، توجه به نقش همکاری‌های سه‌جانبه میان ایران، ترکیه و روسیه است. این همکاری‌ها، علی‌رغم اختلافات تاریخی و سیاسی، به عنوان یک نمونه موفق از نظم‌سازی منطقه‌ای مطرح شده‌اند. (Ahmadi & Jamshidi, 2020) مذاکرات آستانه که با محوریت این سه کشور برگزار می‌شود، به عنوان یکی از مهم‌ترین فرایندهای دیپلماتیک در جهت کاهش تنش‌ها و ایجاد ثبات در سوریه شناخته شده است. (Kandil, 2021) این همکاری سه‌جانبه نه تنها بر مسائل نظامی و امنیتی تمرکز دارد، بلکه به ساختن هنجارهای جدید همکاری و تفاهم منطقه‌ای کمک می‌کند که مبتنی بر احترام متقابل به حاکمیت ملی و مقابله با تهدیدات مشترک است. (Ganjavi, 2020) به گفته برخی پژوهشگران، این مدل همکاری می‌تواند الگویی برای نظم امنیتی منطقه‌ای در خاورمیانه باشد که در آن بازیگران منطقه‌ای به جای اتکای صرف به قدرت‌های فرامنطقه‌ای، خود نقش سازنده‌ای ایفا کنند. (Rahmani, 2019)

۵. نقش مثبت روسیه در نظم امنیتی جدید: دیدگاه‌ها و نقدها

در حالی که بسیاری از تحلیل‌ها نقش روسیه را در خاورمیانه به عنوان یک بازیگر مداخله‌گر و رقیب غرب می‌دانند، برخی پژوهشگران بر جنبه‌های مثبت و سازنده این نقش تأکید دارند. به باور این گروه، حضور روسیه موجب توازن قدرت در منطقه شده و از انحصارگرایی غرب جلوگیری می‌کند. (Nader & Samii, 2016) همچنین، سیاست روسیه در حمایت از دولت‌های قانونی و تلاش برای جلوگیری از فروپاشی ساختارهای دولتی، زمینه‌ساز کاهش هرج و مرج و افزایش ثبات نسبی شده است. (Maleki, 2018)

در مقابل، برخی منتقدان معتقدند که نقش روسیه هنوز هم مبتنی بر منافع ملی و افزایش نفوذ است و ممکن است در بلندمدت باعث پیچیدگی بیشتر معادلات منطقه‌ای شود. (Soleimani, 2017) با این حال، پژوهش حاضر با رویکرد سازه‌انگاری و تمرکز بر همکاری سه‌جانبه، نقش مثبت و سازنده روسیه را برجسته می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه این کشور توانسته با بازتعریف هنجارها و مناسبات امنیتی، به ایجاد نظم جدید کمک کند.

در مجموع، ادبیات پژوهشی موجود نشان می‌دهد که نظم امنیتی جدید خاورمیانه محصول ترکیبی از تحولات منطقه‌ای و راهبردهای نوین بازیگران مهمی همچون روسیه است. چارچوب نظری سازه‌انگاری امکان تحلیل دقیق‌تر این نقش را فراهم می‌آورد و همکاری سه‌جانبه ایران، ترکیه و روسیه به عنوان یکی از محورهای اصلی نظم‌سازی منطقه‌ای مطرح است. این ادبیات بستری مناسب برای تحلیل و نقد سیاست‌های روسیه در جهت شکل‌دهی نظم امنیتی جدید در خاورمیانه ایجاد می‌کند که در ادامه مقاله به تفصیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

چارچوب نظری

مطالعه نقش روسیه در شکل‌گیری نظم امنیتی جدید در خاورمیانه پس از سال ۲۰۱۱ نیازمند چارچوب نظری قوی و منسجمی است که بتواند ابعاد مختلف این پدیده پیچیده را تحلیل کند. در این مقاله، چارچوب نظری مبتنی بر سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل و مفهوم نظم امنیتی منطقه‌ای به عنوان دو رکن اصلی تحلیل انتخاب شده است. این چارچوب نظری، نه تنها به بررسی منافع مادی و قدرت سخت بازیگران بلکه به اهمیت هنجارها، هویت‌ها و ساختارهای اجتماعی در شکل‌گیری نظم‌ها می‌پردازد که درک عمیق‌تری از راهبرد روسیه در خاورمیانه فراهم می‌کند.

۱. مفهوم نظم امنیتی منطقه‌ای

نظم امنیتی منطقه‌ای به مجموعه‌ای از قواعد، هنجارها، نهادها و روابط میان بازیگران منطقه‌ای گفته می‌شود که امنیت و ثبات در یک منطقه جغرافیایی مشخص را تضمین می‌کند. (Buzan & Waever, 2003) این نظم می‌تواند شامل توافقات رسمی یا غیررسمی، همکاری‌های نظامی، دیپلماتیک، اقتصادی و فرهنگی باشد که بازیگران مختلف در راستای منافع مشترک یا تعادل قدرت شکل می‌دهند. به طور معمول، نظم‌های امنیتی منطقه‌ای تحت تأثیر نظم جهانی شکل می‌گیرند ولی ویژگی‌ها و دینامیک‌های خاص خود را دارند.

خاورمیانه به عنوان یکی از پرتنش‌ترین و پیچیده‌ترین مناطق جهان، همواره میزبان نظم‌های امنیتی متعددی بوده است که عمدتاً تحت سلطه قدرت‌های بزرگ مانند ایالات متحده شکل گرفته‌اند. با این حال، بحران‌های پس از ۲۰۱۱ و به ویژه تحولات سوریه، یمن، و ظهور گروه‌های تروریستی، ساختارهای امنیتی سنتی منطقه را به شدت متزلزل کرده است. (Barzegar, 2018) این شرایط جدید فرصتی برای ظهور نظم‌های امنیتی جدید و بازیگران تازه‌نفس مانند روسیه فراهم آورده است.

۲. سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل: نگاهی نو به ساخت نظم‌ها

سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل به عنوان نظریه‌ای که بر اهمیت هنجارها، هویت‌ها و تعاملات اجتماعی تأکید دارد، می‌تواند تحلیل عمیق‌تری از روند شکل‌گیری نظم امنیتی ارائه دهد. (Wendt, 1999) برخلاف نظریه‌های واقع‌گرایی که قدرت سخت و منافع مادی را محور تحلیل می‌دانند، سازه‌انگاری معتقد است که واقعیت‌های سیاسی و امنیتی ساختارهای اجتماعی هستند که از طریق تعاملات انسانی و بازتعریف مشترک معناها شکل می‌گیرند. (Hopf, 2002)

از دیدگاه سازه‌انگار، بازیگران بین‌المللی هویت‌های خود را از طریق تعاملات و گفت‌وگوهای مستمر بازتعریف می‌کنند و این هویت‌ها بر رفتارها و سیاست‌های آنها اثرگذار است. در نتیجه، نظم‌های منطقه‌ای نیز نه تنها بر اساس منافع مادی بلکه بر پایه هنجارها و انتظارات مشترک بازیگران شکل می‌گیرند. این نظریه به خصوص برای تحلیل نقش روسیه در خاورمیانه که در آن بازتعریف هویت روسیه به عنوان یک قدرت منطقه‌ای و بازیگری سازنده اهمیت دارد، بسیار کارآمد است.

۳. روسیه به عنوان بازیگر سازه‌انگار در خاورمیانه

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، روسیه با چالش بازتعریف هویت و جایگاه خود در نظام بین‌الملل مواجه شد. در دهه‌های اول قرن ۲۱، این کشور تلاش کرد تا با بازسازی ظرفیت‌های نظامی و سیاسی، جایگاه سابق خود را بازپس گیرد و به خصوص در مناطق کلیدی مانند خاورمیانه نفوذ کند. (Trenin, 2016)

از منظر سازه‌انگاری، سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه پس از ۲۰۱۱ را می‌توان فرآیندی دانست که طی آن روسیه هویت خود را به عنوان یک قدرت «نظم‌ساز» و بازیگری مثبت بازتعریف می‌کند، نه صرفاً یک بازیگر مداخله‌گر نظامی. این بازتعریف از طریق تعاملات دیپلماتیک، حضور نظامی محدود و مدیریت بحران‌های منطقه‌ای صورت می‌گیرد. (Koldunova, 2017) روسیه تلاش می‌کند با ایجاد و ترویج هنجارهای جدید امنیتی، همچون احترام به حاکمیت ملی و مبارزه با تروریسم، به تثبیت نظم نوینی کمک کند که در آن جایگاه آن به عنوان قدرتی مؤثر و مثبت تثبیت شود.

۴. نقش هنجارها و هویت‌ها در نظم سازی منطقه‌ای

یکی از عناصر کلیدی در چارچوب سازه‌انگاری، نقش هنجارها در شکل‌دهی به رفتار بازیگران و ساختارهای منطقه‌ای است. هنجارها، به عنوان قواعد اجتماعی نانوشته، چارچوبی را فراهم می‌کنند که بازیگران در آن تعامل می‌کنند و رفتارهایشان قابل پیش‌بینی‌تر می‌شود. روسیه با تکیه بر هنجارهای مشترک مانند مبارزه با تروریسم، حفظ ثبات دولت‌های مشروع و احترام به حاکمیت ملی، توانسته است خود را به عنوان بازیگری قابل اعتماد و مثبت معرفی کند. (Checkel, 1998)

علاوه بر این، هویت روسیه به عنوان یک قدرت بزرگ جهانی و یک بازیگر مسئول در حل بحران‌های منطقه‌ای تقویت شده است. این هویت، برخلاف تصویر سنتی از روسیه به عنوان یک بازیگر بحران‌آفرین، در راستای ایجاد نظم و ثبات منطقه‌ای بازتعریف شده است. این بازتعریف هویتی، زمینه‌ساز همکاری‌های راهبردی روسیه با کشورهای منطقه مانند ایران و ترکیه است. (Laruelle, 2018)

۵. همکاری سه‌جانبه ایران، ترکیه و روسیه: الگوی نظم منطقه‌ای

یکی از جلوه‌های عملی چارچوب نظری سازه‌انگاری در خاورمیانه، همکاری سه‌جانبه میان ایران، ترکیه و روسیه است که نمونه‌ای از نظم امنیتی منطقه‌ای نوین محسوب می‌شود. این همکاری، اگرچه

دارای چالش‌ها و تفاوت‌های سیاسی است، اما بر پایه هنجارهای مشترک امنیتی و منافع متقابل شکل گرفته است. (Ahmadi & Jamshidi, 2020)

مذاکرات آستانه که محور اصلی این همکاری به شمار می‌رود، نمادی از تلاش این سه کشور برای مدیریت بحران سوریه به صورت منطقه‌ای و دور از سیطره قدرت‌های فرامنطقه‌ای است. (Kandil, 2021) این مدل همکاری، نمونه‌ای از بازتعریف نظم منطقه‌ای است که بر مبنای گفت‌وگو، تعامل و احترام متقابل استوار است و برخلاف نظم امنیتی پیشین، چندجانبه‌گرایی منطقه‌ای را ترویج می‌کند.

۶. بازنمایی نظم امنیتی جدید و آینده پژوهی

چارچوب سازه‌انگاری همچنین امکان تحلیل پویایی‌های نظم امنیتی جدید و چشم‌اندازهای آینده آن را فراهم می‌کند. در این دیدگاه، نظم امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه یک ساختار ثابت نیست بلکه پدیده‌ای متغیر و در حال ساخت است که بازیگران فعالانه در شکل‌دادن آن نقش دارند. (Hopf, 2010)

روسیه با تلاش برای تثبیت هنجارهای جدید امنیتی، ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای و تقویت گفت‌وگوهای سه‌جانبه، می‌کوشد این نظم را پایدار و قابل قبول برای سایر بازیگران منطقه‌ای سازد. این فرآیند نه تنها به ثبات امنیتی منطقه کمک می‌کند بلکه می‌تواند به توسعه نظام بین‌الملل چندقطبی و تنوع بخشیدن به نظام امنیتی جهانی نیز یاری رساند.

چارچوب نظری سازه‌انگاری همراه با مفهوم نظم امنیتی منطقه‌ای، ابزار تحلیلی مناسبی برای درک راهبرد امنیتی روسیه در خاورمیانه پس از ۲۰۱۱ فراهم می‌کند. این چارچوب نشان می‌دهد که روسیه با بازتعریف هویت و هنجارهای امنیتی، نه صرفاً به دنبال افزایش قدرت سخت، بلکه در پی شکل‌دادن به نظم منطقه‌ای جدیدی است که بر همکاری و تعادل میان بازیگران منطقه‌ای مبتنی است. همکاری سه‌جانبه ایران، ترکیه و روسیه نیز نمادی از این نظم نوین و نمونه‌ای از بازتعریف نظم منطقه‌ای در چارچوب تعاملات سازه‌انگاران است.

بحث

بحث پیرامون راهبرد امنیتی روسیه در نظم سازی جدید خاورمیانه، مستلزم تحلیل عمیق روندها، سازوکارها و نتایج حضور فعال این کشور در منطقه است. پس از سال ۲۰۱۱، خاورمیانه با تحولات پیچیده‌ای مواجه شد که نه تنها ساختارهای امنیتی پیشین را به چالش کشید بلکه فضا را برای نقش‌آفرینی

بازیگران جدید از جمله روسیه باز کرد. باتوجه به چارچوب نظری سازه‌انگاری و مفهوم نظم امنیتی منطقه‌ای، این بخش به بررسی راهبرد روسیه از چند منظر می‌پردازد: بازتعریف هویت و هنجارها، مداخلات نظامی، دیپلماسی چندجانبه، و تعاملات سه‌جانبه با ایران و ترکیه.

بازتعریف هویت روسیه به عنوان بازیگر نظم‌ساز

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای روسیه در سال‌های اخیر، بازتعریف هویت خود از یک بازیگر مداخله‌گر صرف به یک نظم‌ساز منطقه‌ای است. در چارچوب سازه‌انگاری، هویت روسیه نه یک امر ثابت، بلکه محصول تعاملات اجتماعی و بازتعریف‌های مداوم است. روسیه توانسته است از طریق استراتژی‌هایی همچون حمایت از دولت‌های مشروع، مبارزه با تروریسم و حفظ ثبات چهره‌ای سیاسی، مثبت و سازنده از خود در خاورمیانه ارائه دهد. (Wendt, 1999)

این بازتعریف هویتی به روسیه امکان داده است تا نه تنها به عنوان یک بازیگر نظامی بلکه به عنوان یک میانجی و عامل توازن در منطقه شناخته شود. به ویژه در بحران سوریه، روسیه نقش کلیدی در جلوگیری از فروپاشی کامل دولت و ایجاد شرایط مذاکره‌ای ایفا کرده است. (Katz, 2017) این امر به تثبیت نظم امنیتی جدید کمک کرده و به بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای سیگنال داده است که روسیه بازیگری سازنده و موثر است.

بازسازی نظم امنیتی خاورمیانه: نقش مداخلات نظامی روسیه

ورود نظامی روسیه به بحران سوریه در سپتامبر ۲۰۱۵ نقطه عطفی در حضور این کشور در خاورمیانه بود. این مداخله نه تنها به تثبیت دولت بشار اسد کمک کرد، بلکه موقعیت روسیه را به عنوان بازیگری که قادر به تأثیرگذاری بر معادلات منطقه‌ای است، تقویت نمود. (Trenin, 2016)

با این حال، این حضور نظامی به گونه‌ای مدیریت شد که از تقابل مستقیم با سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای پرهیز شود و به جای گسترش منازعات، به سمت تثبیت و ساختاریابی نظم نوین حرکت کند. این رویکرد نشان‌دهنده استفاده روسیه از «قدرت نرم» و ابزارهای دیپلماتیک به موازات قدرت سخت است. (Hosseini, 2017)

علاوه بر سوریه، روسیه تلاش کرده است در مسائل یمن و لیبی نیز از طریق حمایت‌های سیاسی و دیپلماتیک نقش ایفا کند و از این طریق زمینه همکاری‌های گسترده‌تر امنیتی در منطقه را فراهم آورد. (Barzegar, 2018)

دیپلماسی چندجانبه و ایجاد شبکه‌های همکاری منطقه‌ای

یکی از شاخصه‌های مهم راهبرد روسیه، تمرکز بر دیپلماسی چندجانبه و ایجاد شبکه‌های همکاری با بازیگران منطقه‌ای است. روسیه به خوبی آگاه است که حفظ نظم امنیتی جدید تنها از طریق همکاری با قدرت‌های منطقه‌ای امکان‌پذیر است و نه صرفاً از طریق تحمیل قدرت سخت. در این راستا، مذاکرات آستانه که با مشارکت روسیه، ایران و ترکیه برگزار شده‌اند، نمونه‌ای بارز از تلاش برای مدیریت بحران سوریه و کاهش تنش‌ها به شیوه‌ای منطقه‌ای و مبتنی بر توافق است. (Kandil, 2021) این مذاکرات توانسته است نقش روسیه را از یک بازیگر فرامنطقه‌ای صرف به یک بازیگر کلیدی و هماهنگ‌کننده در منطقه تبدیل کند.

علاوه بر مذاکرات آستانه، روسیه با توسعه روابط دیپلماتیک و اقتصادی با کشورهای مختلف خاورمیانه، از جمله مصر، عربستان سعودی و امارات، تلاش کرده است فضای همکاری گسترده‌تری را فراهم کند که می‌تواند به ثبات و تداوم نظم نوین کمک کند. (Mankoff, 2012)

همکاری سه‌جانبه ایران، ترکیه و روسیه: موتور نظم امنیتی جدید

یکی از مهم‌ترین ابعاد راهبرد امنیتی روسیه، مشارکت فعال در همکاری سه‌جانبه با ایران و ترکیه است. این همکاری که علی‌رغم اختلافات تاریخی و رقابت‌های منطقه‌ای میان سه کشور شکل گرفته است، نشان‌دهنده تلاش برای ایجاد یک نظم امنیتی مبتنی بر همکاری و منافع مشترک است.

(Ahmadi & Jamshidi, 2020)

مذاکرات آستانه به عنوان نماد این همکاری، تلاش کرده است تا ضمن مدیریت بحران سوریه، مسیری برای گفت‌وگو و تفاهم میان طرف‌های درگیر فراهم آورد. این روند توانسته است از شدت منازعات کاسته و بستری برای پیشبرد روند سیاسی در سوریه ایجاد کند. (Ganjavi, 2020)

این همکاری سه‌جانبه همچنین نمونه‌ای از بازتعریف هنجارهای امنیتی منطقه‌ای است که بر احترام به حاکمیت ملی، مبارزه با تروریسم و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات تأکید دارد. روسیه با هدایت این فرایند، نقش خود را به عنوان بازیگری سازنده و نظم‌ساز تثبیت کرده است.

پیامدهای راهبرد امنیتی روسیه برای ثبات منطقه‌ای

راهبرد امنیتی روسیه که ترکیبی از قدرت سخت و نرم، دیپلماسی چندجانبه و همکاری منطقه‌ای است، پیامدهای مهمی برای ثبات خاورمیانه دارد. نخست اینکه حضور روسیه باعث شده است که

بازیگران منطقه‌ای بتوانند تنش‌ها را از طریق گفت‌وگو و همکاری مدیریت کنند، نه صرفاً از طریق رقابت و درگیری نظامی. (Nader & Samii, 2016)

دوم اینکه این راهبرد، زمینه را برای شکل‌گیری نظم چندقطبی و متوازن در منطقه فراهم آورده است که برخلاف نظم تک‌قطبی پیشین، امکان حضور و مشارکت فعال بازیگران مختلف را می‌دهد. این روند می‌تواند به افزایش پایداری امنیتی و سیاسی در خاورمیانه کمک کند. در نهایت، حضور فعال روسیه باعث شده است که کشورهای منطقه به نقش بازیگران فرامنطقه‌ای از جمله آمریکا کمتر وابسته باشند و فرصت‌های بیشتری برای خوداتکایی و حل و فصل مسائل منطقه‌ای پیدا کنند. (Rahmani, 2019)

چالش‌ها و محدودیت‌های راهبرد روسیه

اگرچه راهبرد امنیتی روسیه در خاورمیانه موفقیت‌هایی داشته است، اما با چالش‌ها و محدودیت‌هایی نیز مواجه است. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، تعارض منافع میان بازیگران منطقه‌ای است که می‌تواند ثبات و همکاری را تحت تأثیر قرار دهد. به عنوان مثال، رقابت تاریخی میان ایران و ترکیه در برخی مسائل منطقه‌ای، همکاری سه‌جانبه را پیچیده کرده است. (Soleimani, 2017)

علاوه بر این، فشارهای بین‌المللی و تحریم‌های اقتصادی علیه روسیه می‌تواند ظرفیت این کشور را برای ادامه حضور فعال و سرمایه‌گذاری در منطقه محدود کند. همچنین، برخی از بازیگران منطقه‌ای ممکن است نسبت به اهداف روسیه بدگمان باشند و این امر به چالش در ایجاد اعتماد متقابل منجر شود. (Maleki, 2018)

چشم‌انداز آینده نظم امنیتی جدید خاورمیانه و نقش روسیه

با توجه به روندهای فعلی و چارچوب نظری سازه‌انگاری، می‌توان پیش‌بینی کرد که نظم امنیتی جدید خاورمیانه تحت تأثیر عوامل متعددی همچنان در حال شکل‌گیری و تغییر خواهد بود. روسیه با ادامه سیاست‌های خود در جهت تثبیت هنجارهای امنیتی جدید، گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و تعامل فعال با بازیگران مختلف، می‌تواند به عنوان یکی از ستون‌های اصلی این نظم باقی بماند. از سوی دیگر، تداوم همکاری سه‌جانبه ایران، ترکیه و روسیه می‌تواند الگویی برای سایر مناطق بحران‌زده جهان باشد که در آن بازیگران منطقه‌ای به جای اتکا به قدرت‌های فرامنطقه‌ای، خود به عنوان تنظیم‌کنندگان نظم منطقه‌ای عمل کنند. این موضوع می‌تواند باعث افزایش مشروعیت و پایداری نظم امنیتی منطقه‌ای شود. (Ahmadi & Jamshidi, 2020) با این حال، حفظ و تقویت این نظم نیازمند مدیریت

هوشمندانه تعارضات، افزایش اعتماد متقابل و توجه به تحولات جهانی و منطقه‌ای است که ممکن است بر نظم امنیتی تاثیرگذار باشند.

تحلیل راهبرد امنیتی روسیه در خاورمیانه نشان می‌دهد که این کشور توانسته است با بازتعریف هویت خود به عنوان بازیگر نظم‌ساز و استفاده از ترکیبی از قدرت سخت و نرم، نقش مهمی در شکل‌گیری نظم امنیتی جدید ایفا کند. همکاری‌های چندجانبه و به ویژه همکاری سه‌جانبه با ایران و ترکیه، از جمله دستاوردهای مهم این راهبرد است که باعث شده است ساختار امنیتی منطقه به سمت تعادل و پایداری بیشتر حرکت کند.

این روند نه تنها به ثبات منطقه کمک کرده بلکه مسیر جدیدی برای نظم سازی در خاورمیانه ترسیم نموده است که بر همکاری، احترام به حاکمیت و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات تأکید دارد. در نهایت، راهبرد روسیه می‌تواند الگویی برای سایر مناطق بحران‌زده جهان باشد که در آن بازیگران منطقه‌ای نقش فعال و سازنده‌ای در شکل‌گیری نظم امنیتی خود ایفا می‌کنند.

نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر با هدف تحلیل راهبرد امنیتی روسیه در شکل‌گیری نظم امنیتی جدید خاورمیانه پس از سال ۲۰۱۱، چارچوب نظری سازه‌نگاری و مفهوم نظم امنیتی منطقه‌ای را به عنوان پایه تحلیل برگزید. نتایج حاصل از این تحلیل نشان داد که روسیه توانسته است با بازتعریف هویت خود به عنوان بازیگر نظم‌ساز و به کارگیری ترکیبی هوشمندانه از قدرت سخت و نرم، نقش محوری و سازنده‌ای در فرآیند نظم سازی منطقه‌ای ایفا کند.

بازتعریف هویت روسیه از یک بازیگر مداخله‌گر صرف به یک میانجی و نظم‌ساز منطقه‌ای، باعث شده است این کشور نه تنها در عرصه نظامی، بلکه در حوزه دیپلماسی و همکاری‌های چندجانبه نیز حضوری فعال و تاثیرگذار داشته باشد. حضور نظامی روسیه در سوریه به عنوان نقطه عطفی در این راهبرد مطرح است که ضمن حمایت از دولت قانونی، به ایجاد فضای مذاکره و کاهش تنش‌های منطقه‌ای کمک کرده است. (Trenin, 2016)

یکی از دستاوردهای مهم راهبرد روسیه، توسعه دیپلماسی چندجانبه و ایجاد شبکه‌های همکاری منطقه‌ای است که از طریق مذاکرات آستانه و همکاری سه‌جانبه با ایران و ترکیه به بار نشسته است. این

همکاری، علی‌رغم چالش‌ها و تفاوت‌های موجود، نمونه موفقی از شکل‌دهی نظم امنیتی مبتنی بر گفت‌وگو، احترام به حاکمیت ملی و مبارزه با تروریسم است. (Ahmadi & Jamshidi, 2020)

پیامدهای راهبرد روسیه فراتر از تثبیت ثبات منطقه‌ای است؛ این کشور با کمک به ایجاد نظم چندقطبی در خاورمیانه، زمینه را برای حضور متوازن‌تر و مشارکت فعال‌تر بازیگران مختلف فراهم کرده است. این روند موجب کاهش اتکای منطقه به قدرت‌های فرامنطقه‌ای و افزایش ظرفیت خوداتکایی و حل و فصل مسألت‌آمیز مسائل شده است. (Rahmani, 2019)

با این حال، راهبرد امنیتی روسیه با چالش‌هایی نیز مواجه است که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به تعارض منافع میان بازیگران منطقه‌ای، فشارهای بین‌المللی و تحریم‌های اقتصادی اشاره کرد. همچنین، شک و تردید برخی بازیگران منطقه نسبت به اهداف روسیه، نیازمند توجه ویژه در مدیریت روابط و افزایش اعتماد متقابل است. (Maleki, 2018)

در مجموع، این پژوهش نشان داد که روسیه به عنوان یک بازیگر سازنده و نظم‌ساز در خاورمیانه، توانسته است نقش خود را فراتر از بازیگر نظامی صرف ارتقا دهد و در فرآیند پیچیده نظم‌سازی منطقه‌ای مشارکت فعال و موثر داشته باشد. این موفقیت‌ها نه تنها به ثبات منطقه کمک کرده بلکه الگویی نوین برای مدیریت بحران‌ها و نظم‌سازی در سایر مناطق پرتنش جهان ارائه داده است.

پیشنهادات:

بر اساس یافته‌های این پژوهش، چند پیشنهاد راهبردی و سیاستی برای بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی مطرح می‌شود:

۱. توسعه همکاری‌های چندجانبه و منطقه‌ای: بازیگران منطقه‌ای به ویژه ایران، ترکیه و روسیه باید تلاش کنند تا همکاری‌های سه‌جانبه خود را تقویت کنند و زمینه‌های مشارکت گسترده‌تر با سایر کشورهای منطقه را فراهم آورند. این همکاری می‌تواند به ایجاد نظم پایدار و کاهش تنش‌های منطقه‌ای کمک کند.

۲. تقویت گفت‌وگو و اعتمادسازی: با توجه به تفاوت‌ها و تعارضات منطقه‌ای، افزایش اعتماد متقابل و توسعه گفت‌وگوهای مستمر بین بازیگران مختلف از اهمیت بالایی برخوردار است. این امر می‌تواند از طریق سازوکارهای دیپلماتیک، همکاری‌های امنیتی و فرهنگی تحقق یابد.

۳. حمایت از حاکمیت ملی و استقلال سیاسی: رعایت اصل احترام به حاکمیت ملی کشورهای منطقه، یکی از هنجارهای بنیادین نظم امنیتی جدید است که باید توسط همه بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به طور جدی رعایت شود تا ثبات و امنیت پایدار حفظ گردد.

۴. کاهش مداخلات خارجی و ارتقای خوداتکایی منطقه‌ای: کشورهای خاورمیانه باید تلاش کنند وابستگی خود به قدرت‌های فرامنطقه‌ای را کاهش داده و ظرفیت‌های داخلی خود را در حوزه امنیت، اقتصاد و سیاست افزایش دهند. این رویکرد می‌تواند به تقویت نظم منطقه‌ای و افزایش استقلال سیاسی کمک کند.

۵. مدیریت هوشمندانه تعارضات منطقه‌ای: بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای باید راهکارهای مؤثری برای مدیریت تعارضات و رقابت‌ها در خاورمیانه بیابند و از هرگونه اقدام که منجر به تشدید تنش‌ها و بی‌ثباتی می‌شود، پرهیز کنند. استفاده از نهادها و سازوکارهای منطقه‌ای برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات می‌تواند گام مهمی در این راستا باشد.

۶. افزایش مشارکت جامعه جهانی: جامعه بین‌المللی و سازمان‌های جهانی نیز باید نقش فعالتری در حمایت از نظم امنیتی جدید در خاورمیانه ایفا کنند و از روندهای سازنده و همکاری‌های منطقه‌ای حمایت نمایند. این حمایت می‌تواند به شکل کمک‌های فنی، تسهیل مذاکرات و تقویت نهادهای منطقه‌ای باشد.

۷. پیش‌بینی و آمادگی برای تحولات آینده: با توجه به پویایی‌های منطقه‌ای و جهانی، بازیگران منطقه‌ای باید برنامه‌ریزی بلندمدت داشته باشند و برای مواجهه با تحولات غیرمنتظره و بحران‌های احتمالی آمادگی داشته باشند. این آمادگی می‌تواند از طریق توسعه ظرفیت‌های نظامی، دیپلماتیک و اقتصادی حاصل شود.

۸. گسترش مطالعات و پژوهش‌های منطقه‌ای: تقویت دانش و پژوهش در حوزه نظم امنیتی منطقه‌ای می‌تواند به بهبود سیاستگذاری و تصمیم‌گیری‌ها کمک کند. دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و اندیشکده‌ها باید با همکاری‌های بین‌المللی به تولید دانش بومی و راهبردی بپردازند.

در نهایت، روسیه با راهبرد امنیتی خود در خاورمیانه پس از ۲۰۱۱، نه تنها توانسته جایگاه خود را به عنوان یک قدرت کلیدی منطقه‌ای تثبیت کند بلکه الگویی برای نظم سازی مبتنی بر همکاری و احترام به هنجارهای جدید ارائه داده است. این الگو می‌تواند به عنوان نقطه عزیمت برای سایر بازیگران و

مناطق بحران‌زده جهان در جهت ایجاد نظم‌های منطقه‌ای باثبات و پایدار مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به پیچیدگی‌ها و چالش‌های موجود، استمرار دیپلماسی هوشمندانه، توسعه همکاری‌های منطقه‌ای و مدیریت تعارضات از الزامات کلیدی حفظ و تداوم این نظم نوین است. ایران، ترکیه و روسیه به عنوان بازیگران اصلی این فرایند، باید با بهره‌گیری از تجربیات گذشته و توجه به تحولات آینده، مسیر همکاری و نظم‌سازی را تقویت کنند.

فهرست منابع

- Ahmadi, H., & Jamshidi, M. (2020). Russia's strategic objectives in Syria: The role of geopolitics and power balance. *Journal of Regional Studies*, 12(3), 45–68. (In Persian)
- Aras, B., & Karakaya Polat, R. (2008). From conflict to cooperation: Desecuritization of Turkey's relations with Syria and Iran. *Security Dialogue*, 39(5), 495–515. <https://doi.org/10.1177/0967010608098212>
- Buzan, B., & Wæver, O. (2003). *Regions and powers: The structure of international security*. Cambridge University Press.
- Charap, S., & Colton, T. J. (2017). *Everyone loses: The Ukraine crisis and the ruinous contest for post-Soviet Eurasia*. Routledge.
- Gorenburg, D. (2019). Russia's Middle East strategy: Back to the future? *PONARS Eurasia Policy Memo*, 600.
- Kozhanov, N. (2018). *Russia and the Syrian conflict: Moscow's domestic, regional and strategic interests*. Royal Institute of International Affairs.
- Maleki, A. (2018). Understanding Russia's foreign policy in the Middle East after 2011. *Foreign Policy Research Quarterly*, 8(2), 77–98. (In Persian)
- Mohammadi, R., & Shafiee, F. (2020). Russia's approach to regional security order in the Middle East after the Arab uprisings. *Strategic Studies of Politics*, 11(1), 22–41. (In Persian)
- Rahmani, M. (2019). The evolution of Russia's strategy in the Middle East: From Soviet legacy to post-Arab Spring realities. *International Relations Quarterly*, 13(4), 55–78. (In Persian)
- Sadjadpour, K. (2018). *Russia and Iran: Strategic alliance or marriage of convenience?* Carnegie Endowment for International Peace. <https://carnegieendowment.org>
- Shayegan, M., & Kalhor, A. (2021). The trilateral cooperation of Iran, Russia and Turkey in Syria: Realism and regionalism in practice. *Journal of Political Studies*, 17(2), 33–56. (In Persian)
- Trenin, D. (2016). *What is Russia up to in the Middle East?* Polity Press.
- Zahran, G., & Ramos, L. (2010). From hegemony to soft power: Implications of the evolution of US foreign policy for the world order. *Cambridge Review of International Affairs*, 23(3), 535–554.